یادداشت روز

لیبی، سوریه، اوکراین؛ سه صحنه، یک کارگردان

۱- کمتر از یک سال پس از سقوط دیکتاتور لیبی در سال ۲۰۱۱، با یکی از اساتید دانشگاه‌های این کشور مصاحبه‌ای داشتم. از او درباره شـــرایط لیبی پس از قذافی سؤال کردم. او گفت در دوران قذافی، دیکتاتوری در کشور حاکم بود و مردم از شرایط راضی نبودند اما، پس از کشـــته شدن او از سوی متحدان اروپایی‌اش، اوضاع به مراتب بدتر شد. قذافی - با هر نیتی - امتیازات اقتصادی ویژه‌ای برای جوانان و خانواده‌ها در نظر گرفته بود و امنیت هم پا برجا بود اما، به نظر می‌رسد این شرایط دیگر وجود ندارد و مردم لیبی دیگر در خواب هم این شرایط را نخواهند دید. آنچه پس از سقوط او شکل گرفت، نه دموکراسی بود و نه ثبات؛ بلکه آشوب بود و فروپاشی و تجزیه (نقل به مضمون) وقتی این مصاحبه انجام می‌شد، خلأ قدرت در این کشـــور حاکم شده و کشورهای غربی برای غارت نفت آن، هجوم آورده بودند. در هر گوشه‌ای از این کشور یک نظامی، عَلَم استقلال و جدایی را بلند کرده و لیبی دچار یک هرج و مرج اساسی شده بود. ده سال پس از سقوط قذافی، «یورونیوز» نوشت: «هرچند دیکتاتور لیبی کشته شد اما مرگ او نتوانست دموکراسی یا ثبات را در این کشور برقرار کند و بر عکس این کشور یک دهه است که در درگیری‌های داخلی، رقابت‌های خارجی و همچنین تنش‌های میان شبه نظامیان مافیایی گرفتار آمده است. رقابت‌هایی که برای تسلط بر منابع این کشور نفت‌خیز، آرامش و ثبات را از مردمان لیبی گرفته است.» لیبی امروز هم اوضاع خوبی ندارد. نفتش در حال غارت است و در هر گوشـــه ای، یک فرد قدرت را در دست گرفته و هر یک از سوی یک قدرت خارجی حمایت می‌شود. وقتی قذافی سرنگون شد، رهبران کشورهای غربی گفتند: «مردم لیبی مستحق زندگی بهتری بودند....دموکراسی را برایشان هدیه آوردیم.»(!)

۲- آنچه امروز بر سر اوکراین آمده، بی‌شباهت به لیبی نیست. با این تفاوت که اوکراین، یک اروپایی و از متحدان آمریکاســـت. آمریکا برای مهار روســـیه و تضعیف این متحد سنتی و قدرتمند، به اوکراین نیاز داشت. گسترش ناتو به سمت روسیه - بنا به گفته دانشمندانی مثل جان مرشایمر - اساس شکل گیری جنگ اوکراین است. آمریکا و چند کشور اروپایی به زلنسکی قول داده بودند، با تحریم روسیه و تسلیح اوکراین، مانع از پیروزی روسیه شوند. اما در کمال تعجب و ۳ ســـال دو ماه و ۹ روز پس از شروع این جنگ، آمریکا کنار روسیه ایستاده و اوکراین را عامل شروع جنگ معرفی کرد؛ شـــبه جزیره کریمه را به پوتین بخشید و معدن و ثروت‌های طبیعی این کشور را هم برای خود برداشت! اکنون اوکراین مانده است و یک رهبر تحقیر شده با یک کشور ویران...!

۳- بدتر از دیکتاتورها و دلقک‌هایی که به قدرت می‌رسند، آن کت و شلوارپوش‌های کراواتی هستند که، یک لحظه «دموکراسی» و «انتخابات آزاد» و «مردم» از دهانشان نمی‌افتد. آنها دیکتاتور را خلق و از آنها نهایت بهره‌برداری می‌کنند. این طیف مگر از قذافی بهره‌برداری نمی‌کرد؟! مگر رئیس‌جمهور پیشـــین فرانسه یعنی نیکولا سارکوزی به جرم دریافت پول کلان از قذافی برای پیروزی در انتخابات، محاکمه و محکوم نشـــد؟! کراواتی‌های چشم آبی، نه‌تنها از دیکتاتورها بلکه، از داعش و تروریست‌های تکفیری نیز حمایت می‌کنند و آنها را به جان و مال و ناموس مردم می‌اندازند. مگر ابومحمد الجولانی، ســـرکرده گروه تروریســـتی و تکفیری تحریرالشام -که تا همین چند سال پیش سر می‌بُرید و در لیست تروریســـت‌های تحت تعقیب بین‌المللی قرار داشـــت- را همین کت و شلوارپوش‌ها در سوریه به قدرت نرساندند؟! راستی از سوریه چه خبر؟ آیا اوضاع در این کشور با رفتن بشار اسد و آمدن آمریکا و رژیم صهیونیستی و ترکیه بهتر شده است؟!

۴- ۸ دســـامبر ۲۰۲۴ یعنی کمتر از ۵ ماه پیش، بشـــار اسد رئیس‌جمهور ســـوریه با یک برنامه پیچیده -که گفته می‌شـــود در دوران اوباما طراحی شـــده بود- و با تلاش‌های آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه به روســـیه گریخت و قدرت در این کشور از سوی همین سه دودستی تقدیم گروه تروریستی تحریرالشام شد. با ســـرعتی عجیب و باورنکردنی، این سه تمام ظرفیت خود را به میدان آوردند و تلاش کردند، به رژیم جولانی «رســـمیت» ببخشند. سفرهای پی‌درپی هیئت‌های بین‌المللی و تبریک‌های با عجله شروع شد و جامه ریاست جمهوری را بر تن یک تروریست تکفیری کردند! جامه‌ای که به تن امثال جولانی زیادی گشاد است. عده‌ای هم در داخل کشور خودمان گفتند و نوشتند، هر کس جای اسد بیاید خوب است. یکی حتی نوشت، مهم این نیست که از این به بعد چه بر سر مردم سوریه می‌آید، مهم این است که مردم سوریه چند روزی خوشحالند! اکنون روزی نیست که رژیم صهیونیستی به سوریه حمله نکند. تقریبا روزی نیست که مردم در این کشور از سوی رژیم جولانی یا گروه‌های سلفی تکفیری دیگر کشته نشوند. ۱۴۷ روز اســـت که سوریه بدون اســـد درگیر یک جنگ داخلی خانمان‌سوز است و این کشور رسما اشغال شده و هیچ بعید نیست همین روزها رسما خبر تجزیه آن را نیز بشنویم. هر یک از این سه، بخشی از سوریه را تصاحب کرده و مشغول غارت ثروت‌های طبیعی و نفت آن هستند. هر از چندگاهی نیز شنیده می‌شود که، گروهی اسلحه به دست گرفته تا برای حفظ جان و مال و ناموس‌شان وارد جنگ شوند اما با لشکرکشـــی‌های ترکیه و رژیم صهیونیستی و جولانی، قتل عام می‌شوند. هزاران نفر پس از رفتن بشار اسد کشته شده‌اند، صدها هزار نفر گریخته‌اند و سوریه تقریبا هیچ زیرساختی برایش باقی نمانده است. جولانی را هم که تاریخ مصرفش گویا رو به پایان است، هر روز به شکلی تحقیر می‌کنند. هر وقت جولانی می‌گوید، ما اسرائیل را به رســـمیت می‌شناسیم و اجازه فعالیت علیه آن را نمی‌دهیم، بلافاصله صهیونیســـت‌ها می‌گویند، رژیم جولانی را به رســـمیت نمی‌شناسیم. سه روز پیش صهیونیست‌ها به شـــکل تحقیرآمیزی چند متری کاخ ریاست جمهوری سوریه را هدف قرار دادند و دیروز هم خبر رســـید که شهرهای مختلف سوریه از جمله تیپ ۴۷ ارتش جولانی به شکلی بی‌سابقه از سوی صهیونیست‌ها بمباران شد! با او مثل دستمالی که پس از استفاده دور انداخته می‌شود، رفتار می‌شود و او حتی جرات نمی‌کند، علیه این رژیم یک کلمه حرف بزند! اگر امروز از مردم سوریه سؤال شود که «دوران بشـــار اسد با همه آن مشکلات بهتر بود یا الان؟» چه پاسخی می‌دهند؟ فهم این که، رفتن اسد و آمدن تروریست‌های تکفیری و رژیم صهیونیستی به سوریه، به نفع سوریه و ایران عزیز نیســـت، کار زیاد سختی نیست و به قول دوستی، فرد باید خیلی احمق باشد که این امر بدیهی و واضح را نفهمند! با این حساب چرا برخی در ایران با ذوق زدگی، گزارش لحظه به لحظه از پیشـــروی تروریست‌های تکفیری در سوریه می‌دادند و به مردم سوریه بابت رفتن اسد، تبریک می‌گفتند؟! تحلیل تحولات لیبی و اوکراین نیز از سوی این طیف، «وارونه» بود. آنها زلنسکی را «قهرمان در میدان» معرفی کرده و آینده روشـــنی برای لیبی پس از قذافی پیش‌بینی می‌کردند! شاید باور نکنید اما برخی در این طیف خود را «آینده پژوه» معرفی می‌کنند!

۵- تحولات لیبی، اوکراین و سوریه، هر یک به‌تنهائی سندی کافی برای افشـــای پروژه فریبکارانه‌ای هستند که سال‌هاست با نام‌هایی چون «دموکراســـی»، «حقوق بشـــر» و «اراده مردم» به ملت‌ها تحمیل می‌شـــود، اما در عمل چیزی جز بی‌ثباتی، تجزیه، و تســـلط آمریکا به دنبال ندارد. قذافی، زلنسکی یا اسد؛ هر سه قربانی سناریویی شدند که در آن بازیگران اصلی، قدرت‌های غربی بودند، نه مردم کشورشان. این وقایع نشان دادند که آنچه آمریکا می‌خواهد، نه دموکراسی است و نه رهایی از استبداد؛ بلکه صرفاً مهار رقبا، چنگ انداختن بر منابع و جای‌گیری ژئوپلیتیکی در نقاط حساس جهان است. آنچه پس از این مداخلات در این سه کشور به‌جامانده آیا چیزی جز خاکستر، آوار، آوارگی، مرگ، و تحقیر ملی است؟! از آن سو، در داخل کشور نیز صداهایی هستند که ناآگاهانه یا عامدانه، دقیقاً همان روایتی را تکرار می‌کنند که کاخ ســـفید و تل‌آویو می‌خواهند. روایت‌هایی ساده‌لوحانه از «تغییر» و «گذار» که بعضا به ابزار «مذاکـــره» هم گره می‌خورد که نه به ثبات ختم می‌شود و نه به آینده‌ای بهتر...اگر از نیاموزیم همان سرنوشتی در انتظار ما خواهد بود که امروز در طرابلس، کیف یا دمشق می‌بینیم...

جعفر بلوری

کیهان بررسی می‌کند

دولت غیر از مذاکره چه برنامه‌ای برای اداره کشور دارد؟

سرویس سیاسی-

با گذشـــت بیش از هشت ماه از آغـــاز فعالیت دولت چهاردهم، اکنـــون زمان آن رســـیده که از شـــعارها عبور کنیم و به تحلیل ریل‌گذاری‌ها بپردازیم. دولتی که در بـــدو ورود خود به میدان اجرا تلاش داشـــت از برجامی شدن خود و رویکـــردی که در دهه ۹۰ عملاً سیاســـت خارجی را به‌جای ابزاری بـــرای حمایت از اقتصاد و تجارت ملی، به هدف اصلی دولت بدل کرده بود، فاصله بگیرد. این فاصله‌گیـــری، در مواضع کلامی دولت جدید کاملا قابل تشخیص بود.

برخلاف برخی تجربه‌های پیشین کـــه تمـــام تخم‌مرغ‌های سیاســـت و اقتصاد کشور در سبد برجام و مذاکرات هسته‌ای گذاشته شد، دولت چهاردهم تاکنون نشـــان داده که دســـت‌کم در حرف، چنین مسیری را دنبال نمی‌کند. اما پرســـش بنیادین اینجاست: آیا در عمل نیز چنین است؟ و مهم‌تر اینکه، غیر از مذاکره، چه برنامه‌ای برای اداره کشور وجود دارد؟

تمرکز بر مذاکره تجربه‌ای که نباید تکرار شود

بـــر هیچ‌کس پوشـــیده نیســـت که سیاســـت خارجی ابزار پیشـــبرد اهداف اقتصادی، سیاســـی و امنیتی کشورهاســـت، نـــه هدف مســـتقل و خودبســـنده. در ســـال‌هایی نه‌چندان دور و در دهـــه نود، دولـــت یازدهم و دوازدهم به امید دســـتیابی به توافقی همه‌چیزحل‌کن، بسیاری از فرصت‌های اقتصادی، تجاری و منطقه‌ای خود را از دست داد. از نگاه فعالان و تحلیلگران جـــدی اقتصاد و سیاســـت بین‌الملل، یکی از خطرناک‌تریـــن روندهایی که ممکن است تکرار شود، گره زدن برنامه اداره کشـــور به نتیجه مذاکرات است. تجربه‌های گذشته ثابت کرده که نه تنها خروجی این مذاکرات هیچ‌گاه تضمینی نداشـــته، بلکه طرف غربـــی همواره با زیاده‌خواهی، عدم پایبندی به تعهدات و کارشکنی‌های پیاپی، مسیر توافق را به بن‌بست کشانده است.

اکنـــون و در شـــرایطی کـــه به یک‌ســـالگی دولت چهاردهم نزدیک می‌شـــویم، این نگرانی در حال تقویت است که دوباره تمرکز پنهانی اما مؤثر بر مذاکرات، سایر ظرفیت‌های کشور و مســـیرهای بدیل توسعه را به حاشیه رانده باشد.

تقدیر از دیپلماسی فعال اما نه مذاکره‌محور

رهبـــر معظم انقـــلاب در یکی از مهم‌تریـــن بیانات اخیر خـــود درباره عملکرد سیاست خارجی کشور، ضمن تقدیر از تلاش‌های وزارت امور خارجه، صراحتاً بـــر این نکته تأکید کردند که مذاکـــرات صرفاً یکـــی از ده‌ها وظیفه وزارت امور خارجه است و نباید همانند گذشته، تمام برنامه‌ریزی‌ها به آن گره زده شود. همچنین در همان سخنرانی، بـــه نقد رویکرد برجامـــی پرداختند و نسبت به نگاه معطل‌کننده‌ای که همه امور را وابسته به نتایج مذاکرات کرده بود، هشدار دادند.

این هشدار از سوی ایشان، بار دیگر این سؤال اساسی را پیش روی دولت قرار می‌دهد که چرا همچنان ســـایه مذاکرات به‌طور نامحسوس بر سیاست خارجـــی و حتـــی برنامه‌ریزی داخلی کشور احساس می‌شود؟

فرصت‌هایی که جای دیگری است دولت باید دست بجنباند

تحلیلگران جهانی اکنون با قاطعیت می‌گویند که فرصت‌های بزرگ تجاری، اقتصـــادی، فناورانه و حتی سیاســـی جهان امروز، دیگر نـــه در غرب، بلکه در شرق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و مجموعه‌هایی چون بریکس و سازمان همکاری شـــانگهای نهفته است. رشد پرشتاب قدرت‌هایی چون چین، هند، برزیل و برخی کشـــورهای آفریقایی، چشـــم‌انداز تازه‌ای از توازن قدرت در عرصه جهانی به نمایش گذاشته است. ایران نیز به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، این فرصت را دارد که در این ساختار نوین قدرت و تجارت جهانی، جایگاه ممتـــاز و تأثیرگذاری کسب کند.

عضویت کشور در ســـازمان‌های بریکس و شانگهای تنها زمانی ارزشمند خواهد بود که از حد نشســـت و بیانیه عبور کـــرده و به برنامه‌ای واقعی برای توســـعه تعاملات اقتصادی و تجاری با این کشورها بدل شود. با این حال، آنچه امروز از دولت دیده می‌شـــود، تحرکی ناکافی و بعضـــاً کند در بهره‌برداری از این فرصت‌هاست. دیپلماسی اقتصادی نیاز به زیرساخت‌های اداری، حقوقی، مالـــی و حتی فرهنگی دارد و تا زمانی کـــه اراده‌ای جدی برای فعال‌ســـازی این مســـیر وجود نداشـــته باشد، این فرصت‌هـــا به تهدیـــد بی‌توجهی بدل خواهند شد.

برنامه دولت کجاست؟

بزرگ‌ترین خلأ امروز کشـــور نه صرفاً مربوط به مذاکرات یا سیاســـت خارجـــی، بلکه مربوط بـــه نبود یک برنامه جامع و دقیق برای اداره کشور است. برنامه‌ای که باید تکلیف کشور را در زمینه‌هایی چون معیشت، اشتغال، تولید، عدالت اجتماعی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و حتی نظام مالیاتی روشن کند.

ســـؤال اینجاســـت کـــه دولـــت چهاردهـــم چه برنامه‌ای برای رشـــد سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد؟ چه طرحی برای ســـاماندهی بازار مسکن دارد؟ چگونه قرار است فاصله فزاینده طبقاتی را کاهش دهد؟ رشـــد تولید ناخالص داخلی چگونه محقق خواهد شد؟ برای سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور چه مشوق‌هایی در نظر گرفته شده؟ در حوزه زیرســـاخت، آموزش، بهداشت و مبارزه با فساد چه اقدامات ساختاری در جریان است؟

این‌ها ســـؤالاتی است که تاکنون هیچ پاسخ شـــفافی به آن داده نشده اســـت. دولت ممکن اســـت در پشت درهای بسته، برنامه‌هایی داشته باشد، امـــا تا زمانی که این برنامه‌ها به اطلاع افکار عمومی و نخبگان نرسد، در عمل وجود خارجی نخواهند داشت.

شائبه بی‌برنامگی تهدیدی جدی برای مشروعیت دولت

در فضای عمومی کشور، امروز بیش از هر زمان دیگری، شائبه بی‌برنامه‌گی دولت بـــه چشـــم می‌خـــورد. مردم احســـاس می‌کنند که دولت همچنان در مرحلـــه آزمون و خطاســـت؛ بدون نقشه راه منسجم، بدون اولویت‌بندی روشـــن، و بدون جهت‌گیری اقتصادی مشخص.

ایـــن وضعیت اگر تـــداوم یابد، به سرعت به بحران مشـــروعیت تبدیل خواهد شـــد؛ به این معنـــا که اعتماد عمومـــی به کارآمـــدی دولت کاهش می‌یابـــد و افکار عمومـــی، دولت را به بی‌برنامگی و ناکارآمدی متهم خواهد کرد. این دقیقاً همان سرنوشتی است که دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز به آن گرفتار شـــدند؛ یعنی آغاز با شعار، ادامه با ابهام، و پایان با ســـرخوردگی عمومی.

راهکار چیست؟

دولت چهاردهم اگر می‌خواهد از این چرخه معیوب خارج شـــود، باید هرچه سریع‌تر: نقشه راه شفاف و مستند خود برای توسعه کشور را منتشر کند، طرح‌هـــا و برنامه‌های اجرائی در حوزه معیشت، مســـکن، اشـــتغال، عدالت اجتماعـــی، و تولید را به اطلاع مردم و کارشناسان برساند، تمرکز عملیاتی را از مذاکرات به سمت دیپلماسی اقتصادی چندجانبه و همکاری‌های راهبردی با کشورهای غیرغربی ببرد، با رسانه‌ها و افکار عمومی صادقانه و شفاف تعامل کنـــد و از پنهـــان‌کاری پرهیز نماید، مسیر اصلاح ساختارها را آغاز کرده و با فساد، ناکارآمدی و بروکراسی مزاحم مقابله کند.

دولت چهاردهم، با گذشت بیش از هشت ماه، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که باید میان دو مسیر یکی را انتخاب کند: یا مســـیر تجربه‌شده و شکست‌خورده اتکای صرف به مذاکرات را ادامه دهد و کشور را در حالت انتظار نگه دارد، یا با درک تحولات جدید جهان، برنامه‌ای بومی، مستقل و واقع‌گرایانه برای اداره و توسعه کشور ارائه کند.

مردم دیگر نه حوصله شعار دارند، نه توان انتظار. زمان اقدام، شـــفافیت و برنامه‌محوری فرارســـیده است. تنها در این صورت اســـت کـــه می‌توان از فرصت‌های طلایـــی جغرافیای جدید قدرت در جهان بهـــره برد و آینده‌ای روشن برای ایران ساخت.

خبر ویژه

بن‌بست اقتصاد در دولت روحانی نتیجه اعتماد به آمریکا بود

یکی از بزک‌کنندگان مدیریت فاجعه‌بار دولت روحانی مدعی شـــد اقتصاد، بدون توافق به فروپاشی می‌رسد!

مرتضی افقه بـــه روزنامه زنجیره‌ای آرمان می‌گوید: اگر مذاکرات به نتیجه نرســـد و فشار حداکثری ترامپ ادامه یابد، فروش یک و نیم میلیون بشکه نفت غیرممکن خواهد شـــد و به وضعیت ســـال ۱۳۹۸ با فروش حدود سیصد هزار بشکه بازخواهیم گشت.

وی گفت: درباره اقتصادی که به تجارت خارجی و روابط سیاســـی خود به شـــدت وابسته بوده، کاملاً طبیعی است که با شروع مذاکرات حتی بدون لزوماً نتیجه خاصی، نوسانات جدی در قیمت طلا و ارز رخ بدهد. اقتصاد ایران به شدت وابســـته به فروش نفت است و تأمین نیازهای تولید و مصرف آن از درآمدهای نفتی اداره می‌شود. در این شرایط مشخصاً هر اتفاقی در روابط خارجی ایران و در مرحله اول روابط سیاسی و به طبع آن روابط اقتصادی ایران رخ بدهد، مستقیم بر زندگی و معیشـــت شهروندان تاثیرگذار است اما وضعیت فعلی رخ داده فعلاً فقط آثار روانی و انتظاری اســـت که بر بازار حاکم می‌شـــود. این بدان معناست کـــه این تصور یا پیش‌بینی که اگر مذاکرات موفق باشـــد بلافاصله قیمت ارز و طلا کاهش می‌یابد و یا بالعکس اگر مذاکرات ناموفق باشـــد فوراً افزایش قیمت خواهیم داشـــت، چندان درســـت به نظر نمی‌رسد. فعلاً و تا زمانی که مذاکرات چه مثبت و چه منفی به نتیجه برسد این نوسان قیمت به ثبات نمی‌رسد.

وی می‌افزاید: «بنابراین می‌توان این‌طور ارزیابی کرد که اگر مذاکرات منجر به توافق شـــود و این توافق رخ داده و اجرائی و عملیاتی شـــود و این عملیاتی شدن باید به معنای این باشد که ایران بتواند نفت خود را بفروشد، می‌توان به نتایج اقتصادی در روند مذاکرات امید داشت. البته این روند همچنین منوط به این اســـت که باید حتماً در پی به نتیجه رسیدن مذاکرات، مسئله FATF نیز حل شود تا بتوانیم روابط پولی و بانکی را برقرار کنیم.

مرتضـــی افقه همچنین درباره مقایســـه وضعیت اقتصـــاد ایران در دوران برجام و انتظارات موجود بنابر این مقایســـه با دور تازه مذاکرات نیز خاطرنشان می‌کنـــد: «اگر رفع تحریم‌هـــا، پذیرش FATF و رفع تنش‌هـــا رخ بدهد تازه وضعیت ایران در یک بازگشـــت مشابه سال ۱۳۹۷ خواهد بود که ساختارهای ضدتولید و ضدتوســـعه حاکم بر کشور مانع پیشرفت بودند. بنابراین اگر انتظار داشـــته باشـــیم که اگر توافق شـــود، همه چیز ناگهان گل و بلبل شود نه این درست نیست.

وی درباره اینکه بدون رســـیدن به نقطه توافق، چه سرنوشتی برای اقتصاد در انتظار اســـت؟ می‌گوید: «از نظر من اگر به توافق نرسیم در آستانه فروپاشی اقتصـــادی قـــرار خواهیم گرفت و دلیل آن نیز یکی همین اســـت که اکنون ما حتی همچون ســـال‌های قبل نفت به صـــورت دورزدن تحریم‌ها نیز نمی‌توانیم بفروشـــیم. اکنون، وضعیت متفاوت است، چرا که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد و فشـــار حداکثری ترامپ نیز اعمال شود دیگر شرایط سابق برای فروش یک و نیم میلیون بشـــکه را نیز نخواهیم داشت و به نوعی به وضعیت سال ۱۳۹۸ باز می‌گردیم که حدود سیصد هزار بشکه نفت می‌فروختیم.

یادآور می‌شود مرتضی افقه قبلا در دو انتخابات سال‌های ۹۲ و سال ۹۶، از امضاکنندگان نامه‌های ۱۶۳ نفره و ۵۰ نفری در حمایت از روحانی بود و همان زمان هم با بزک کردن وعده‌های بی‌پشـــتوانه دولت روحانی، و آرزواندیشـــی و بی‌تدبیری‌های آن، رشد اقتصادی نزدیک به صفر و تورم ۴۵ درصد و قیمت ارز نه برابر شده به علاوه خزانه خالی را به ارث گذاشتند.

بر عکس با روی کار آمدن دولت شهید رئیسی و بدون برجام و FATF و در حالی که تحریم‌ها دو برابر شده بود و دولت روحانی نه می‌توانست نفت بفروشد و نه واکسن وارد کند، هم صادرات نفت به بالای یک میلیون و نیم بشکه در روز رسید، هم بالای صد میلیون واکسن وارد کشور شد، هم تورم بیش از ده درصد کاهش یافت، هم هشـــت هزار کارخانه تعطیل و نیمه تعطیل به چرخه فعالیت برگشت، هم رشد اقتصادی پنج درصد به ثبت رسید و هم اقتصاد کشور از آن بحران بزرگ نجات پیدا کرد. حالا هم راه‌حل، در معطل نگذاشتن ظرفیت بزرگ کشور و معطل مذاکرات نماندن و فرصت‌سوزی نکردن است.

یادآور می‌شـــود وزیر نفت و رئیس سازمان برنامه دولت برجام بر این شش سال فرصت‌ســـوزی اذعان کردند که نمی‌توانند حتی یک بشکه نفت بفروشند اما با تغییر دولت، این بن‌بســـت شکســـته شد و محافل بسیاری در غرب اذعان کردند که فشـــار حداکثری آمریکا با مقاومت و تدبیر دولت رئیســـی در ایران، شکست خورده است.

حامیان انتخاباتی دولت نگران بی‌برنامگی و بی‌تحرکی دولت

قائم‌مقام ســـتاد تبلیغاتی پزشکیان در انتخابات ۱۴۰۳، ضمن ابراز نگرانی درباره عملکرد دولت، خواستار اصلاح در کابینه شد.

جواد آذری‌جهرمی سال گذشته، عضو شورای راهبری کابینه بود و در چیدن تیم دولت هم نقش‌آفرینی می‌کرد اما اکنون در یادداشتی از رئیس‌جمهور خواسته که بدون رودربایستی در تغییر کابینه پیش‌قدم شود. او می‌نویسد: «هفت ماهی از عمـــر دولت جدید می‌گذره؛ دولتی که بعـــد از فقدان ناگهانی رئیس‌جمهور سیزدهم سکان اداره کشور رو با رأی مردم به دست گرفت، اما شاید اون آمادگی لازم برای یه شروع پرقدرت رو نداشت.

تو این مدت، وسط سهم‌خواهی‌های سیاسی حامیان و مدعیان وفاق، قوانین فرصت‌کش دست‌وپاگیر و مجلسی که انگار با دولت هم‌جهت نیست، رئیس‌جمهور چهاردهمِ [نهم!] یه لیست وزرا به مجلس فرستاد که شاید خودش هم ته دلش به کارایی‌شون مطمئن نبود.

نُه ماه پر از التهاب و نگرانی گذشـــت؛ اتفاقات ســـنگین سیاسی تو منطقه، ناترازی‌های انرژی که حسابی مردم رو کلافه کرده و البته ناآمادگی دولت برای مدیریت این بحران‌ها، روزگار سختی رو برای ملت امیدوار به دولت جدید رقم زد.

حالا اما، رئیس‌جمهور کم‌کم داره به معادلات سیاســـی و اقتصادی کشور و منطقه مســـلط می‌شه و شناخت بهتری هم از تیمش پیدا کرده، از اون طرف، جریان غالب تو مجلس، که انگار بیشـــتر دنبال رقابت سیاسیه، شمشیر اصلاح رو کشـــیده و می‌خواد با استیضاح وزرا، خودش رو قهرمان تغییر و ناجی مردم نشون بده.

پیشنهاد من به دکتر پزشکیان اینه: بدون رودربایستی، خودتون پیش‌قدم بشـــید برای اصلاح و ترمیم کابینه. شـــما جراح ماهر و دلســـوز این ملتید، نه اونایی که تو مجلس فقط صداشـــون بلنده. مشـــکل اداره کشور با شمشیر اونها حل نمیشه، نیاز به تیغ جراح ماهر داره. آقای رئیس‌جمهور! به صلاح شماست که خودتون پرچم اصلاح و ارتقای اثربخشی و کارآمدی دولت رو بلند کنید».

جهرمی با وجود اینکه در چیدن کابینه نقش‌آفرین بوده، رویش نشـــده که بگوید کدام وزرا و معاونین ضعیف و ناکارآمد هستند و باید تغییر بکنند و این در حالی اســـت که دولت، پس از دو ماه نتوانسته جایگزین همتی برای وزارت اقتصاد را معرفی کند و برنامه اقتصادی چندان روشـــنی هم ندارد که بر اساس آن، از وزرا و معاونین مطالبه مســـئولیت شود. به عبارت دیگر، مادام که تکلیف برنامه دولت از جمله در حوزه اقتصاد مشخص نشود، تغییر وزرا به خودی خود عایدی چندانی در پی نخواهد داشت.

یادآور می‌شود آذری جهرمی، چند هفته قبل هم هشدار داده بود: با وجود بازشدن مسیر مذاکره و امیدبخش بودن این خبرها برای بازارها و با امید و آرزوی این‌که ان‌شاءالله نتایج مطلوب و تأمین‌کننده منافع ملی نیز حاصل شود؛ اما قطعاً در طول مذاکرات پیش رو، نوســـانات زیادی رخ خواهد داد. لذا فضای نوسانی پیش روی مذاکرات را در تصمیمات اقتصادی نادیده نگیرید تا متضرر نشوید.

او همچنین اواسط تیرماه سال گذشته، خبر از «کاسبی پست» در دولت داده و نوشته بود: «روال شفاف و مدل علمی و بروز انتخاب وزرا توسط رئیس‌جمهور منتخب بزودی اعلام خواهد شـــد. اما چرا این اخبار دســـت به دست می‌شود؟ عده‌ای از شوق خدمت! حاضرند هر وعده‌ای به هر کسی بدهند تا مثلاً وزیر شوند. عده‌ای هم طالب این وعده‌هایند و امروز روز کاسبی آنهاست. لذا با خبرسازی، این بازار مکاره فاسد شکل می‌گیرد».

قبل از آذری جهرمی، محمد باقر نوبخت (رئیس ســـازمان برنامه و بودجه در دولت روحانی) دوبار به آقای پزشـــکیان و دولت تذکر داده است: «با وجود آگاهی حضرتعالی از ســـه سال فشـــار تورم بالای ۴۰ درصدی به مردم (ناشی از همبســـتگی نرخ تورم با نرخ‌های ارز آزاد و ترجیحی)، چرا اولویت مهار تورم در چنین شـــرایطی از دستور کار دولت شما خارج شده است؟» و «نظریه های اقتصادی لیبرال مبتنی بر بازار، رافع مشـــکلات اقتصادی مردم نیست. دولت باید برای رفاه نســـبی مردم تا عادی شـــدن شـــرایط، وظایف اجتماعی خود را مسئولانه انجام دهد».

همزمان و در حالی که روزنامه سازندگی خواستار برکناری برخی وزرا مثل وزیر راه و صمت شده، سیدحسین مرعشی دبیرکل کارگزاران ضمن سرمقاله‌ای در سازندگی نوشت: شبهه‌ای که اخیراً در فضای سیاسی مطرح شده، مبنی بر اینکه حزب کارگزاران ســـازندگی و روزنامه سازندگی در مقام اپوزیسیون دولت ظاهر شده‌اند، نیازمند روشنگری است.

این سوءبرداشـــت به دنبال چند انتقاد سازنده از برخی وزارتخانه‌ها به‌ویژه شیوه اطلاع‌رسانی در ماجرای بندرعباس شکل گرفت. اما حقیقت آن است که چنین برداشـــتی نادرست و دور از واقعیت است. کارگزاران سازندگی نه تنها از حامیان جدی و مصمم دکتر پزشکیان به شمار می‌رود بلکه همواره تلاش کرده است با رویکردی مسئولانه، خلأها و کاستی‌های موجود در عملکرد بخش‌هایی از دولت را یادآور شـــود. روزنامه ســـازندگی نیز در همین راســـتا، زبان گویای بخش وســـیعی از جامعه و حامیان دولت است؛ رسانه‌ای که دفاع کورکورانه و بی‌چون‌وچرا از دولت را در شـــأن خود نمی‌داند و ترجیح می‌دهد با چشـــمانی باز، گوش‌هایی شنوا و اراده‌ای شجاعانه به تقویت واقعی دولت کمک کند. این تقویت، تنها از مســـیر نقد مصلحانه و مشـــفقانه می‌گذرد؛ نقدی که نه با نیت تخریب بلکه با هدف اصلاح عملکرد آن دسته از نهادهای دولتی مطرح می‌شود که ناخواسته کشور را با چالش‌هایی مواجه کرده‌اند. حزب کارگزاران سازندگی ایران و روزنامه ســـازندگی همچنان در کنار دولـــت خواهند بود اما برای آنان، منافع مردم و مصالح کشور اولویت دارد.

گفت و شنود

دوباره خوابیدم!

گفت: یکی از غربگراها توئیت زده و نوشـــته که بسیاری از مردم ایران خواســـتار مذاکره با آمریکا هستند(!) و معتقدند که مشکلات اقتصادی از این طریق حل می‌شود!

گفتم: ننوشـــته دفعه قبل که برای حل مشکلات اقتصادی مذاکـــره کردیم، تحریم‌ها به جای این که لغو شـــود، دو برابر شد!

گفت: از رو که نمی‌روند!

گفتم: کاش لااقل فقط به یک نمونه از پایبندی آمریکا و اروپا به تعهداتشان اشاره می‌کرد!

گفت: اصلاً باید پرســـید ادعای «اکثریت مردم» را از قوطی کدام عطاری درآورده است؟!

گفتم: یارو می‌گفت؛ خواب دیدم که برادرم تصادف کرده و سر و دستش شکسته، نعره زدم و از خواب پریدم، یک ساعت دنبال گوشیم گشتم و بالاخره پیداش کردم، با ترس و لرز داشتم شـــماره می‌گرفتم که یهو یادم اومد که من اصلاً برادر ندارم! هیچی دیگه دوباره خوابیدم!

نکته

چرا دست روی دست گذاشته‌اید؟!

۱- در ضرب‌المثل معروفی آمده اســـت: «بعضی‌ها آن‌قدر بی‌عرضه هســـتند که اگر سوار شتر هم بشوند، باز هم سگ، پاچه آنها را گاز می‌گیرد»! خدای نخواسته قصد اهانت به برخی از مسئولان، مخصوصاً مسئولان محترم اقتصادی و امنیتی و اطلاعاتی در میان نیست، ولی با اشاره به ضرب‌المثل دیگری باید گفت: «چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است»؟! سخن درباره نرخ دلار و نوسانات پی‌درپی آن است که برخلاف آنچه در همه کشورها دیده می‌شود، کمترین ارتباطی با روند جاری مسائل اقتصادی کشور ندارد و سؤال این است که نرخ ارز را چه کسانی تعیین می‌کنند؟! و چه کسانی با افزایش بی‌حساب و افسارگسیخته نرخ ارز، معیشت مردم را گرو گرفته‌اند؟!

۲- روز دهم دی ماه سال گذشته، آقای فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود: «یک کانال تلگرامی که سرور آن در آمریکا ثبت شده است، ساعت ۹ صبح هر روز برای دلار نـــرخ تعیین می‌کند و همه صرافی‌ها نیز از روی آن برای دلار نرخ می‌گذارند»! این سخن صادقانه آقای فرزین از واقعیتی تلخ نیز حکایت می‌کند و آن، این که، مدیریت اقتصادی کشور، اقتدار ملی و برنامه‌ریزی برای معیشت مردم را در اختیار دشمن قرار داده‌ایم! آیا غیر از این است؟! اظهارات افشاگرانه رئیس کل بانک مرکزی - حتی اگر خود ایشـــان هم ندانند و نخواهند- گلایه‌ای ســـخت از مسئولان اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی و قضائی را نیز در خود دارد و این پرسش همراه با اعتراض جدی را پیش می‌کشد که چرا مسئولان یاد شده در مقابل این پدیده پلشت و خانمان‌سوز، دست روی دست گذاشته و کاری نمی‌کنند؟! و اگر دست به اقدامی زده‌اند، چرا کمترین نشانه‌ای از آن دیده نمی‌شود؟!

**۳- ممکن اســـت گفته شود که ســـرور کانال تلگرامی مورد اشاره در آمریکاســـت و جلوگیری از «خط‌دهندگی» و «نرخ‌گذاری» این کانال بیرون از دسترس مسئولان است! که باید پرسید؛ آیا برخورد سخت و پشیمان‌کننده با صرافی‌هایی که دستورالعمل صادر شده از سو